

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Martyrs

جانبازان

حمید از پروان

۱۱/۰۲/۰۵

مینا، رهروانت هنوز زنده اند!

افتخارات تاریخی هرکشوری را مبارزات ملت آن درمقابل اشغال، استعمار و استبداد می سازد. افراد و اشخاص معینی نظر به جانفشانی و نقش شان در رهبری این مبارزات جایگاه خاصی را به خود کسب می کنند، که بعضاً به مثابه قهرمانان واقعی آن ملت پذیرفته می شوند.

جنبش چپ افغانستان افتخار آنرا دارد درکنار مردان بزرگ ازقهرمان زنانی یاد کند که زمانی مسؤولیت رهبری بخشی از این جنبش را به عهده داشته اند.

مینا در صدر زنانیست که توانست در تاریخ مبارزاتی این جنبش خوب بدرخشد و در شرایط سخت و دشوار، تشکیلاتی را رهبری کند که از هرطرف مورد حمله دشمنان رنگارنگ قرار داشت.

اولین باری که با مینا روبرو شدم اوایل سال ۱۳۶۱ زمانی بود که بناء به دستور تشکیلات خود به منظور شرکت در مبارزه مسلحانه علیه اشغالگران سوسیال امپریالیزم و مزدورانش عازم پشت جبهه گردیده بودم. قرار برآن بود مدتی را که درآنجا به سر می برم در یکی از حوزه های آموزشی تنظیم شده و جهت بالا بردن سطح آگاهی به من آموزش مارکسیستی داده شود.

در منطقه نوتیه پشاور همراه سه تن دیگر برای مدت چند ماه در کورسی تنظیم شدیم که خلاف تصور، مسؤولیت ما را زنی به عهده داشت که سالهای بعد از مرگش و با مشاهده تصویر وی، دانستیم که او مینا بود.

مینا زنی بود آگاه، جدی و مهربان. او با حوصله مندی مسایل را توضیح میداد و از دشواری هائی که پیش روی جنبش چپ افغانستان قرار داشت، آگاه میساخت. مینا از روحیه عالی برخوردار بود و از تهدید دشمن به خصوص بنیادگرایان گلبدینی که در آنروزها با تبانی آی اس آی بهترین رفقای ما را شهید ساخته بودند، هراسی نداشت. او به ما استقامت و پایداری را می آموخت و به ادامه راه رفقاء ترغیب می کرد.

مینا از برخورد عاطفی که به زنان میشد و آنانرا موجود ضعیف و ناتوان ترسیم میکرد به شدت متنفر بود و باور کامل داشت زنان در صورتیکه به خود آگاهی برسند، متشکل شده و خوب رهبری شوند، به نیروی عظیمی مبدل خواهند گشت که میتوانند نقش تاریخی بزرگی را ایفاء کنند. او می گفت مارکسیزم علم رهائی پرولتاریاست و زنان،

که از ستم چند لایه رنج می برند، تنها میتوانند با متوسل شدن به این علم راه اصلی مبارزه و رهائی خود را دریابند. مینا از مارکسیزم آگاهی کافی داشت و آموزگار خوبی برای ما بود.

زمانیکه در پشاور به سرمیبردم احساس کردم که تشکیلات ما از امکانات ناچیزی برخوردار است اما رفقای ما با درک این مشکل باز هم از روحیه عالی برخوردار بودند و علت آنرا برخورد صادقانه و از خودگذری رهبری نسبت به صفوف میدانم. مثال خوب آن مینای شهید بود که باوجود مسئولیت بزرگش در موقف رهبری هرگز بزرگنمایی نمی کرد و ما تصور نداشتیم که او از رهبران جنبش چپ افغانستان است.

مینا همیشه از امپریالیزم به مثابه دشمن طبقاتی خلقهای جهان یاد می کرد و معتقد بود که سوسیال امپریالیزم اتحاد شوروی و امپریالیزم امریکا دو روی یک سکه بوده که در تقابل و مبارزه با اتحاد شوروی نباید خطر امریکا را دست کم گرفت. او باور داشت که اشغال شوروی و دولت پوشالی آن دوام زیادی نخواهند داشت و امپریالیزم امریکا با سرمایه گذاری قوی که بالای تند روترین و فاشیست ترین نیروهای مذهبی مینماید، روز های سیاه و دشواری را برای مردم ما به آرمغان خواهد آورد.

اما کجاست مینا، که ببیند چگونه پیش بینی هایش به واقعیت پیوست و همراهِ نیمه راهش چه خفتبار همزمانش را وداشتند تا به خاطر پول، پروژه، انجو و مدالهای امپریالیستی به پیش دشمنان طبقاتی شان گردن خم کنند و آنانرا از مسیر مبارزاتی شان منحرف سازند.

باآنکه امروز از مینا چهره دیگری ترسیم می کنند تا او را از جوهر طبقاتی اش تهی ساخته و تنفر او را نسبت به امپریالیزم کمرنگ جلوه دهند، اما باید همه بدانند که رهروان واقعی اش هنوز زنده اند و اجازه نخواهند داد تا علم مبارزاتیش را به پای دشمنان طبقاتی اش خم کنند.

فروزان باد مشعل راه مینا!

مرگ بر امپریالیزم این دشمن طبقاتی خلقهای جهان!

(حمید از پروان)